

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

قاسم باز
۰۸ جولای ۲۰۲۴

نقدی بر مقاله "ضرورت یاد آوری از سده قانون اساسی در افغانستان"

امروز مقاله ای تحت عنوان (ضرورت یاد آوری از سده قانون اساسی در افغانستان) جناب "روستار تره کی" را که زینت بخش وبسایت آریانا و دعوت گردید با علاقه فراوان خواندم. من در مقاله جناب تره کی صاحب به چند مغالط برخورددم. جناب داکتر صاحب تره کی می نویسد:

۱- قانون اساسی سال ۱۳۴۳ معیارهای دیموکراسی را برآورده ننوانست لذا جامعه را به بحران برد.

۲- بعد از سرنگونی حکومت شاهی، نظام جمهوری محمد داوود باعث بدبختیهای بعدی گردید.

تبصره بنده قاسم باز. بالای دو ماده فوق الذکر جناب تره کی.

خوب محترم تره کی صاحب. شما خود معترف هستید که قانون اساسی ۱۳۴۳ به اصطلاح دهه دیموکراسی یعنی سالهای آخر سلطنت محمد ظاهرشاه نتوانست به خواست مردم جواب مثبت بدهد. به خاطری که ان قانون اساسی ۱۳۴۳ حقوق مدنی افراد را زیر پای کرد، قانون زمینه بی عدالتی را مهیا ساخت، دیموکراسی به شکل واقعی تمثیل نشد، احزاب به طور غیر قانونی مانند سمارق از زیر زمین سرکشید، شاه افغانستان فرد غیر مسؤل شناخته شد هر سه قوه یعنی رکن اساسی دولت منحصر به شاه شد. در سطح اقتصادی و اجتماعی مردم کدام تغییری مؤثر پدید نیامد و...، پس در اینطور حالت و شرایط کشورچی باید می شد؟! اگر واقعاً شما به همین نظر هستید، پس گناه آن شخص (سردار محمد داوودخان) که در مقابل اینگونه شرایط و وضع ناهنجار قد علم نمود و مانع در کشور از این گونه بحرانها و انقلابات خونین شد و کشور را برای چند سال از اینگونه حالات نجات داد که به احتمال قوی و بسیار زیاد به صدها هزار انسان در آن کشته و تلف می شد جلوگیری نمود.

جناب داکتر صاحب تره کی!

۴ سال و ۹ ماه دوران جمهوریت داوودخان یک دور پر امن بود. تنها حمله به پنجشیر، لغمان، بدخشان ولسوالی سرخ رود و...، آنها توسط چند گماشته شده پاکستان که آنها هم توسط مردم عوام و قوه ناچیز دولتی افغانستان سرکوب شد در آن وقت کدام خطر جدی دیگر متصور نه بود. این که بعد از کودتای ۷ ثور دولت دیموکراتیک خلق نتوانست امنیت سراسری کشور را تأمین کند مسؤولیت داوودخان نیست! بلکه مسؤولیت دیموکرات های خلق و پرچم است که نظام ملی و رو به انگشاف جمهوریت سردار داوودخان را سرنگون کردند.

۳- جناب تره کی صاحب شما اضافه می کنید می نویسد :

« قانون اساسی فبروری ۱۹۷۷ اولین جمهوریت افغانستان که به دنبال کودتای نظامی سردار داوود نافذ شد، قدرت سیاسی را به شیوه متمرکز سازمان داد. این قانون اساسی مظهر برجسته کیش شخصیت در شرایطی بود که فساد اداری و زیاده روی های دیموکراسی بر عمق بحران اجتماعی هرچه بیشتر می افزود. تمایلات گریز از مرکز که توسط مداخلات خارجی به آرامی شکل می گرفت، کشور را آستان زلزله ویرانگر سیاسی می گردانید قانون اساسی ۱۹۷۷ در چوکات نظام ریاستی پرریزدانسیل شکل گرفت.

۴- در قانون اساسی ۱۹۷۷ دو محور تمرکز قدرت مطرح بود : رئیس جمهور و حزب.

همچنان شما علاوه می کنید که در قانون ۱۹۷۷ رئیس جمهور غیر مسؤول بود و باز در جای دیگر همین پراگراف می نویسد که قانون جمهوریت سردار داوود نسبتاً از قانون اساسی سلطنت کرده پارلمانی تر بود.

تبصره بنده قاسم باز .

محترم تره کی صاحب در نوشته فوق شماره ۳ و ۴ ، شما می فرماید: در قانون اساسی جمهوریت سردار محمد داوود، رئیس جمهور غیر مسؤول بود. ولی تا جایی که من آن قانون را خوانده ام رئیس جمهور در مقابل ملت که اعضای ملی جرگه را انتخاب می نمود مسؤولیتهای زیادی داشت. ملی جرگه آنوقت که وظیفه شورا ملی را به عهده داشت می توانست رئیس جمهور را توسط سه ثلث آرای ملی جرگه سلب اعتماد و محاکمه نماید.

همچنان شما در جای دیگر مقاله ضد و نقیض تان می نویسد که در قانون اساسی جمهوری داوودخان از کلمات کمونستی مانند کلمات دهقان، زحمت کشان، روشنفکران ، انقلاب ملی ، ذکر شده بود به همین خاطر قانون اساسی جمهوری سردار محمد داوودخان به مانند قانون های کشورهای کمونیستی شباهت داشت.

حقوقدان عقده ئی داکتر صاحب تره کی . اگر شما مرامهای احزاب به مانند افغان ملت، حزب اسلامی، مساوات میوندوال ، خلق - پرچم و شعله جاوید را خوانده باشید در مرام نامه های آنها اینگونه کلمات نیز وجود دارد . از برای خدا ، از قلم یک فرد که خود را استاد و دانشمند نیز خطاب می کند چی می خوانم.

جناب محترم . شما خود اعتراف می کنید که قانون اساسی ۱۹۷۷ جمهوریت سردار محمد داوودخان پارلمانی تر از قانون اساسی دهه دیموکراسی بود. پس ذکر کلماتی مانند دهقان، زحمت کشان ، انقلاب ملی ، برادری و برابری ، تساوی حقوق ، توکل به خدا ، به همکاری خدا ، به فضل خدا و با توفیق خدا به معنای چپی بودن و راستی بودن دلالت نمی کند چنانچه در قانون اساسی زمان جمهوریت سردار محمد داوودخان این کلمات در ان تسجیل یافته بود. لطفاً در انتخاب نوشتن کلمات و جملات تان کمی دقت نمائید.

۵- با خروج شورویها از افغانستان، نجیب الله یکی دیگر از رهبران حزب "کمونیست" با ترک اهداف کمونیستی، در قانون اساسی ۱۹۹۰ نظام سیاسی افغانستان را از چوکات مدل مسکو بیرون کرد و به آن قیافه سوسیال دموکرات بخشید.

در قانون اساسی ، رییس جمهور در رأس دولت قرار داشت. وی توسط اکثریت آرای اعضای لویه جرگه برای مدت هفت سال انتخاب می شد و تنها در برابر لویه جرگه مسؤولیت داشت. در قانون اساسی صلاحیت های رئیس جمهور شبیه صلاحیت های معمول رؤسای جمهور در کشور های لیبرال غرب بود. پارلمان از دو اتاق ترکیب شده بود. قانون اساسی حقوق و آزادی های عامه را تضمین کرد : آزادی مطبوعات و رسانه ها و تشکیل احزاب سیاسی مجاز شمرده شد. احترام به دین مقدس اسلام و پیروی از آن برای دولت الزامی گردید.

تبصره قاسم باز .

استاد تره کی : شما متوجه هستید که چه می نویسد؟! . !

سبحان الله به این قضاوت ملی و اسلامی تان.

من تا این دم نمی دانستم که شما اینقدر دلباخته حزب دیموکراتیک خلق به خصوص از جناب؟ داکتر نجیب الله هستید. آقای تره کی ، داکتر نجیب بعد از برآمدن قشون سرخ شوروی اگر نماز خواند و یا آیات و احادیث گفت و یا از دیموکراسی و مردم سالاری و یا هم از وطن پرستی یاد کرد همه این یاد اوری ها عمل تکتیکی وی بود نه عقیده و رویش وی . تعجب می کنم که یک دانشمند آنهم داکتر حقوق سیاسی اینطور قضاوت غیر عادلانه را کند. لطفاً بنده را وادار نسازید که جریان سه روزه انتظار تان را در قندهار و ملاقات شما به دوستان تان در قندهار را به رخ تان بکشم.

وسلام.

سلیمان لایق چی زیبا گفته.

ما اقتدا ورپسی وکړه چی رهبر به وی

لکه چی وایی په هرڅه باندی خبر به وی

د تررمیو د دوران یو زره ور به وی

د سختو ورځو د جنگونو د سنگر به وی

د تالا شویو پرگنو یو منور به وی

د پاخیدلو افغانانو د باور به وی

زه غولیدلی وم په لوبو د یو غل باندی

ما غاړه ایشی وه په توره د اجل باندی

۷/۷/۲۰۲۴